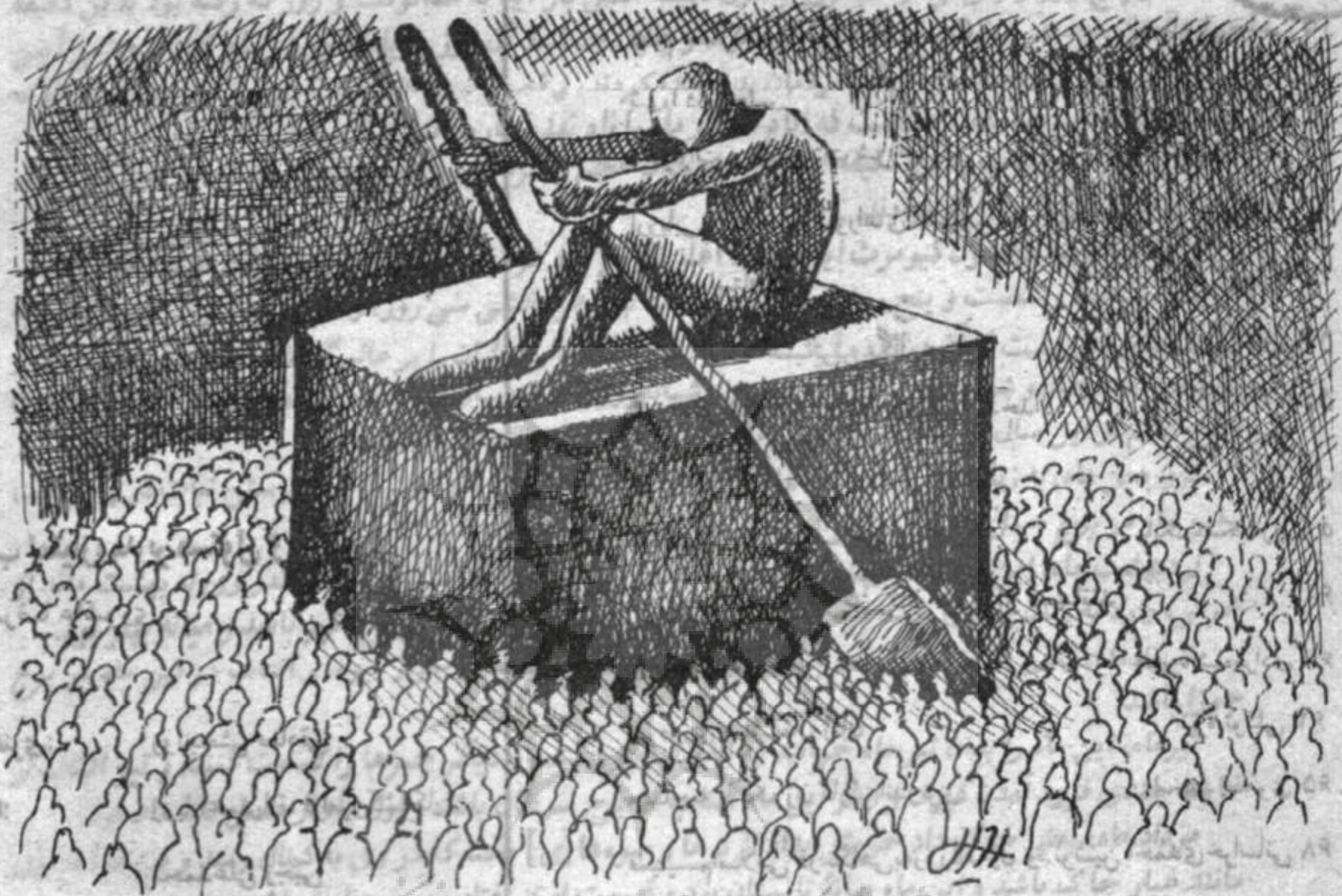


«شوراها»

پاسخ به کدامین نیاز؟



دمکراسی و مشارکت در تصمیم‌گیری، از مفاهیم مورد بحث در جوامع نوین و به‌ویژه جوامع در حال گذار بوده و مشغله‌ی فکری قشرها، حکومت‌ها و ملت‌هاست. این مفاهیم همواره در زمینه‌های دینی، فلسفی و نیز فرایندهای تاریخی ریشه و نقش داشته و با ایدئولوژی‌ها و تحولات اجتماعی ارتباطی تنگاتنگ یافته است. امروز، توجه به این مفاهیم تا جایی پیش رفته که معمولاً در هر امر جمعی، رد و نمودی از خود به‌جای گذاشته و بحثی از آن به میان کشیده می‌شود. گویی تنها نسخه‌ی تسکین آلام جمعی و ایجاد نظم و کنترل در جامعه، حضور همه‌جانبه‌ی افراد در تصمیم‌های مربوط به جامعه است.

به پندار بسیاری از افراد، تحقق این مسأله، گام برداشتن در وادی توسعه تلقی می‌شود. بدیهی است در آرمان و دنیای خیالی افراد بشر از یک جامعه‌ی ایده‌آل، امر ناقصی وجود ندارد. چه! دنیای خیالی آنان یک دنیای آرزویی است. در واقعیت جامعه است که عملاً مشکل بروز می‌کند و ساختن جامعه، بدان شکلی که در آرمان و خیال تصور می‌شود، بسی ناممکن می‌نماید. از این رهگذر، سازگاری و تشابه فکری و عملی آحاد یک ملت، زمینه‌های تحقق آرمان‌های افراد را فراهم می‌سازند.

مفهوم «شورا» و بهره‌گیری از آن برای انتظام جامعه و حل و رفع مسائل آن نیز که از مؤلفه‌های توسعه به‌شمار می‌رود، در بسیاری از جوامع، به‌عنوان مطلوب‌ترین راه هدایت جامعه مطرح شده و در بسیاری از آن‌ها موفقیت‌هایی را در پی آورده است. با این حال، کارکرد شوراها در مملکت‌های جوامع (خصوصاً جهان در حال توسعه)، تجربه‌ی مثبتی را نشان نمی‌دهد و این‌که واقعاً ماهیت شوراها در این کشورها، «دمکراتیک» است یا نه نیاز به ژرف‌نگاش و کنکاش بسیار دارد.

در جامعه‌ی امروز ایران، بحث شوراها به‌دلایلی، داغ‌تر از همیشه مطرح شده و به‌زعم بسیاری از افراد، رویکرد نوینی محسوب می‌شود. رویکردی که مرهمی بر تجارب تلخ ناشی از نبود شوراها در ایران بوده و در جامعه‌ی نو و برآزنده ظاهر خواهد شد. موضوع «انتخابات شوراها» بهانه‌ای شد تا «اندیشه‌جامعه» به‌صورتی ویژه به مفهوم «شوراها» بپردازد.